

علم أصول الفقه

٨٠

٩٤-١-٢٥ ظهور

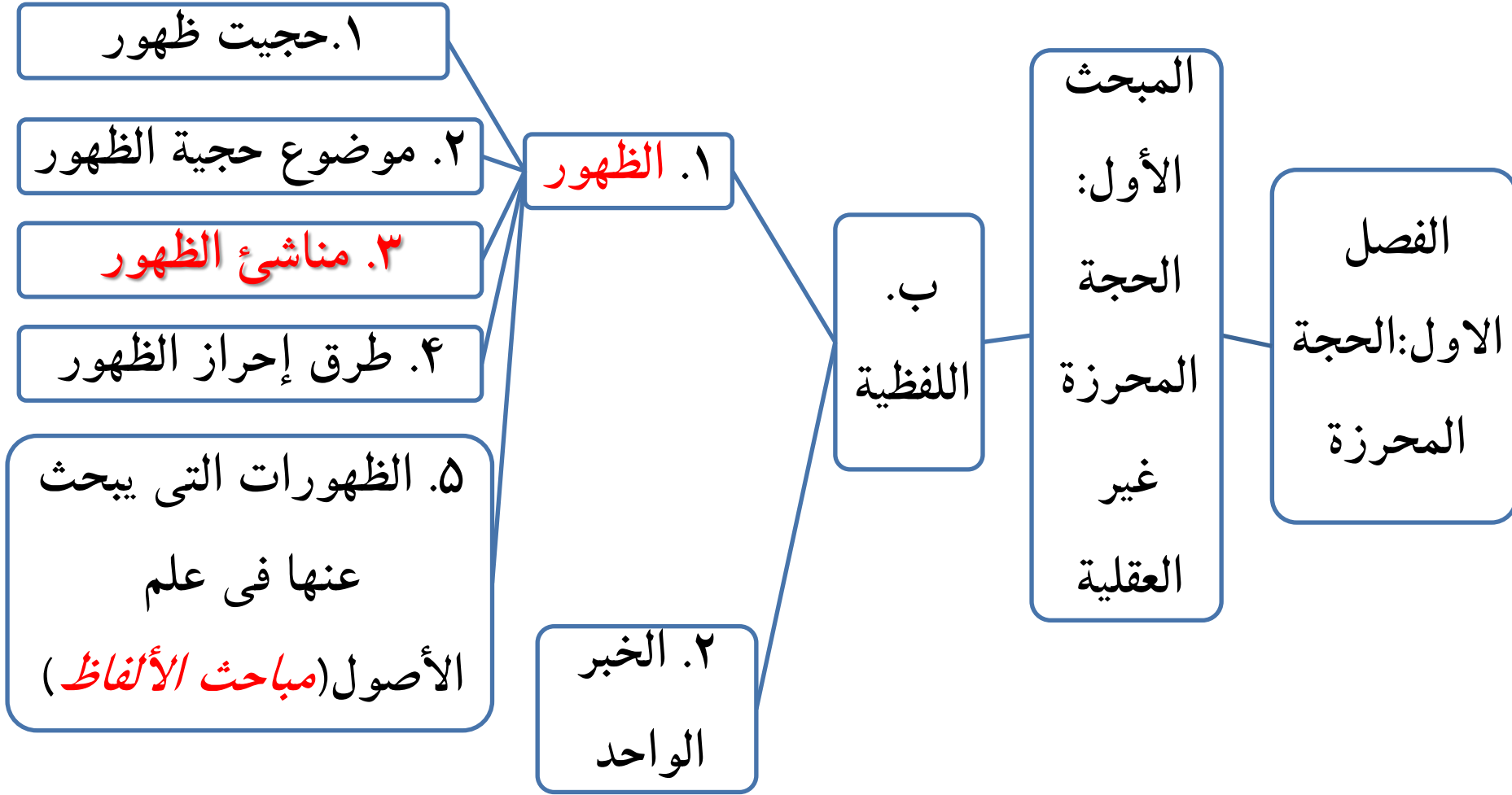
دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

لَوْ لَا أَنْ تَبْتَنَّاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا

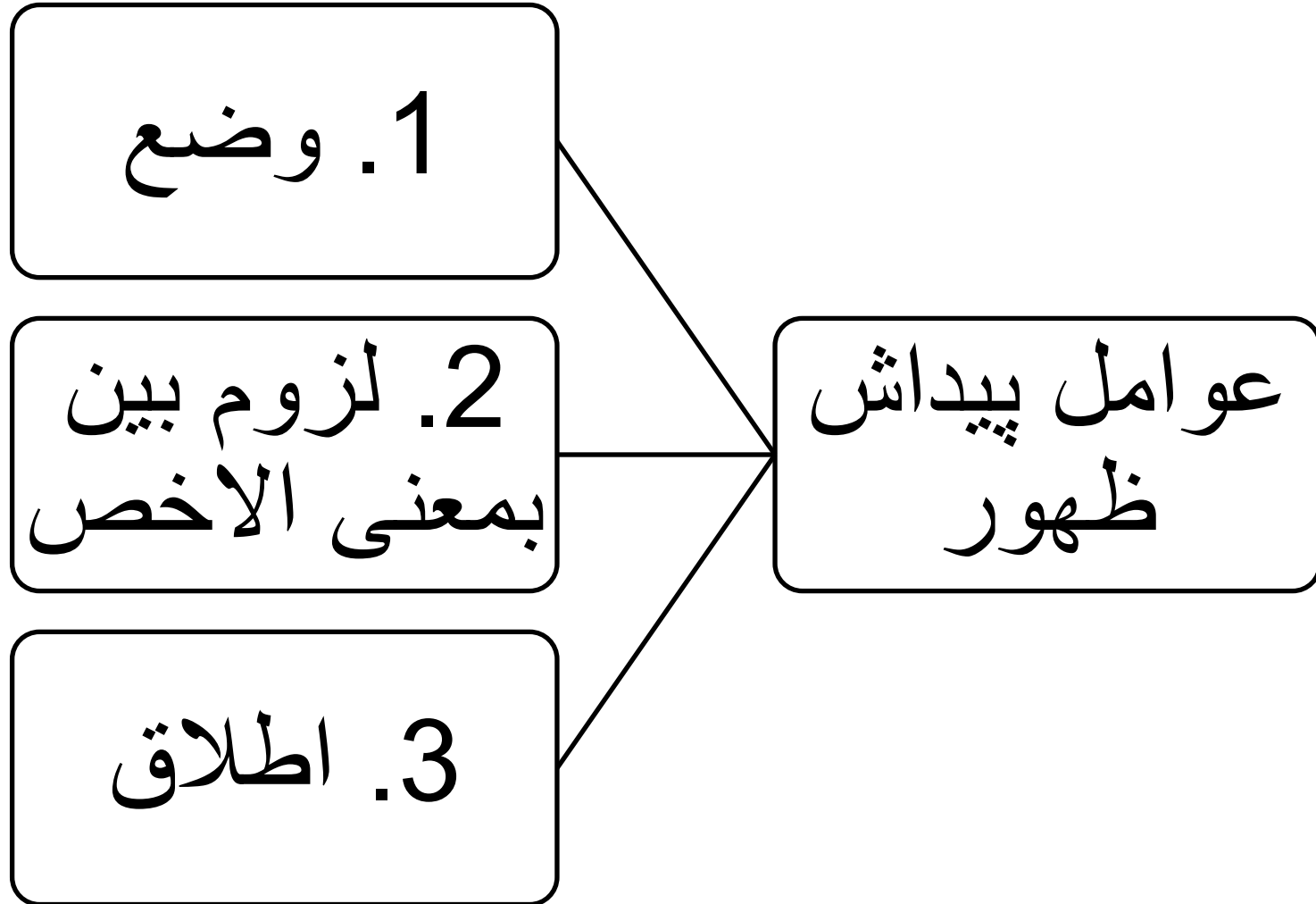
- وَ مَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَ أَضَلُّ سَبِيلًا (٧٢)
- وَ إِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوحِئْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَ إِذَا لَاتَّخَذُوكَ خَلِيلًا (٧٣)
- وَ لَوْ لَا أَنْ تَبْتَنَّاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا (٧٤)
- إِذَا لَأَذَقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَ ضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا (٧٥)

لَوْ لَا أَنْ تَبْتَنَّاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا

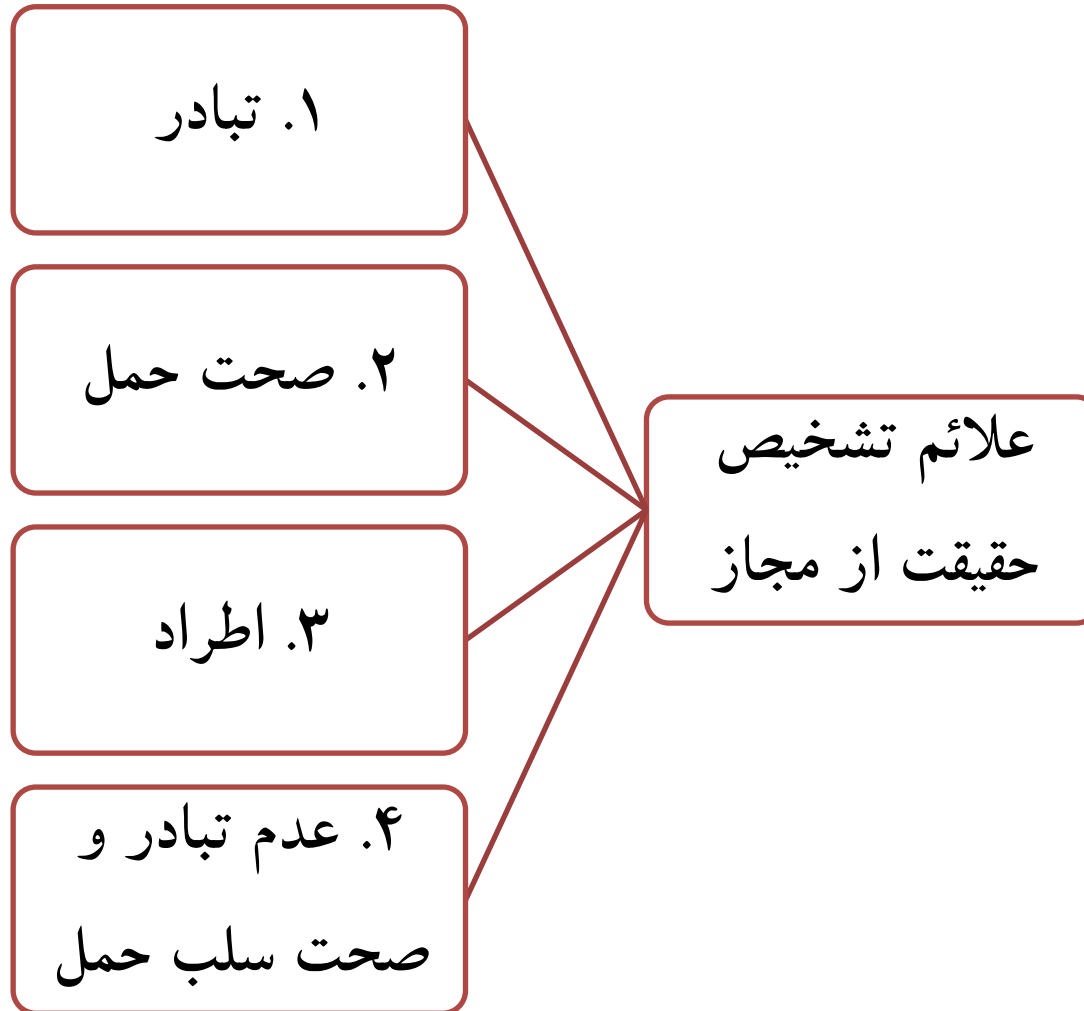
- وَ إِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّونَكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبِثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا (٧٦)
- سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا (٧٧)

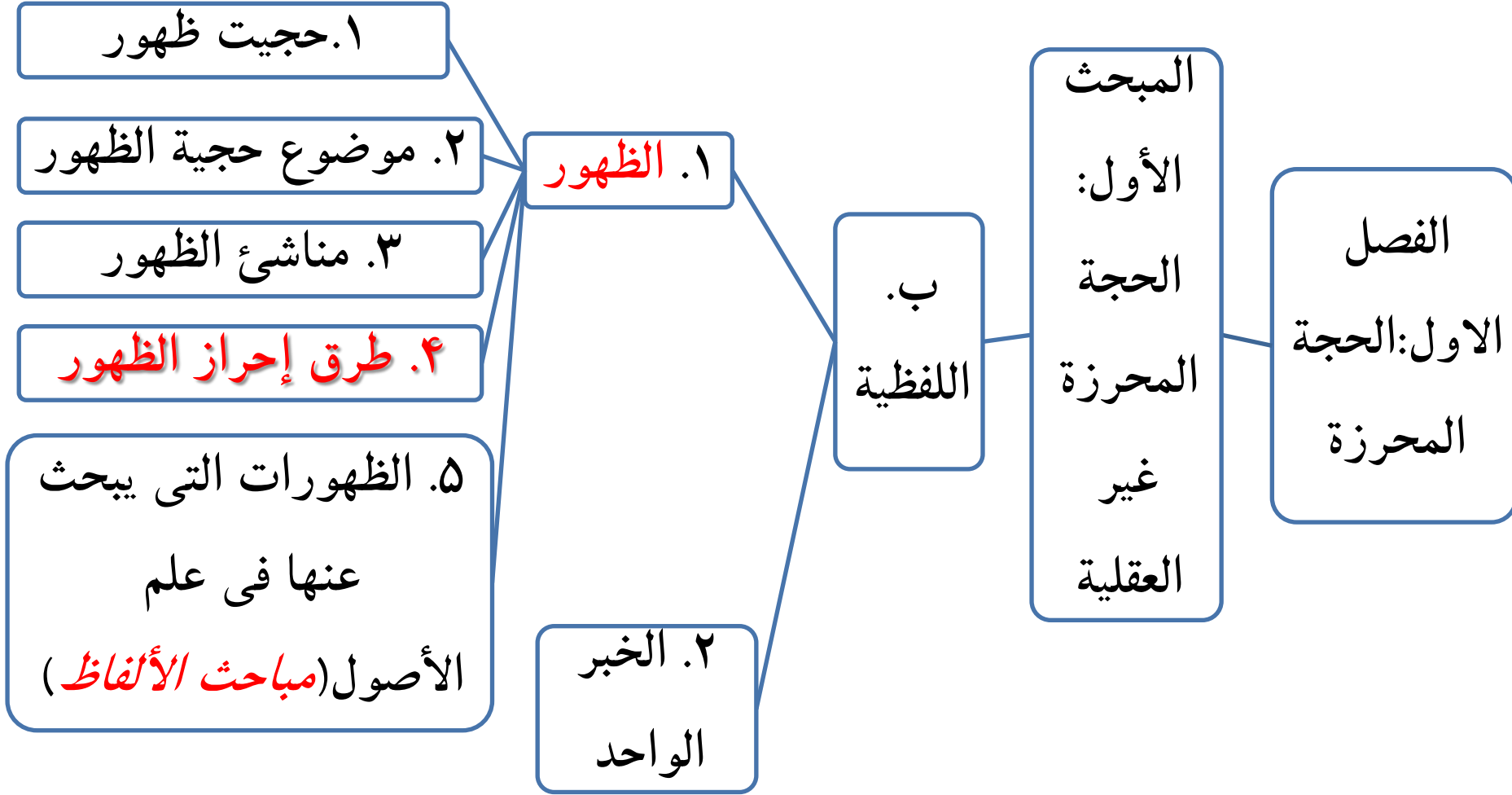


٣. مناقشة الظهور: اطلاق

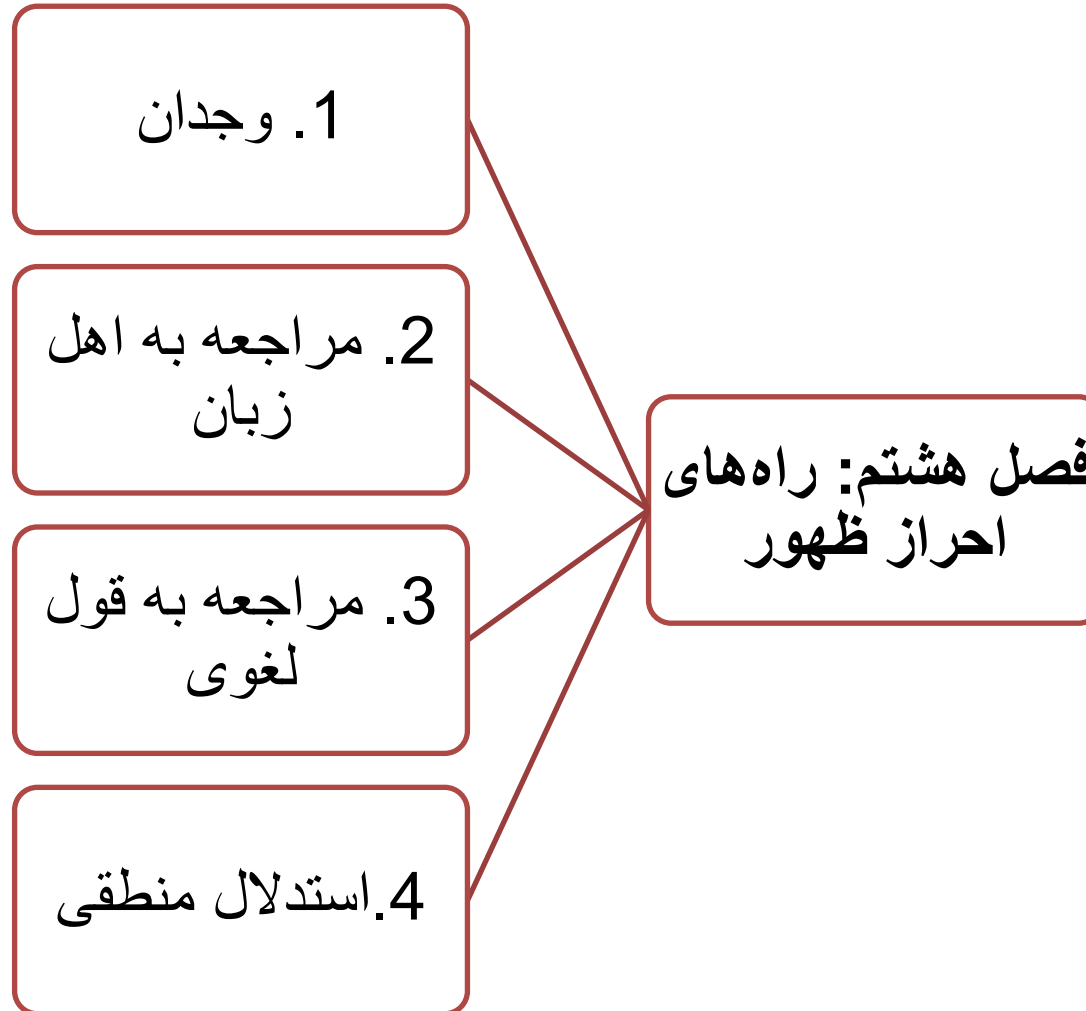


علائم تشخیص حقیقت از مجاز

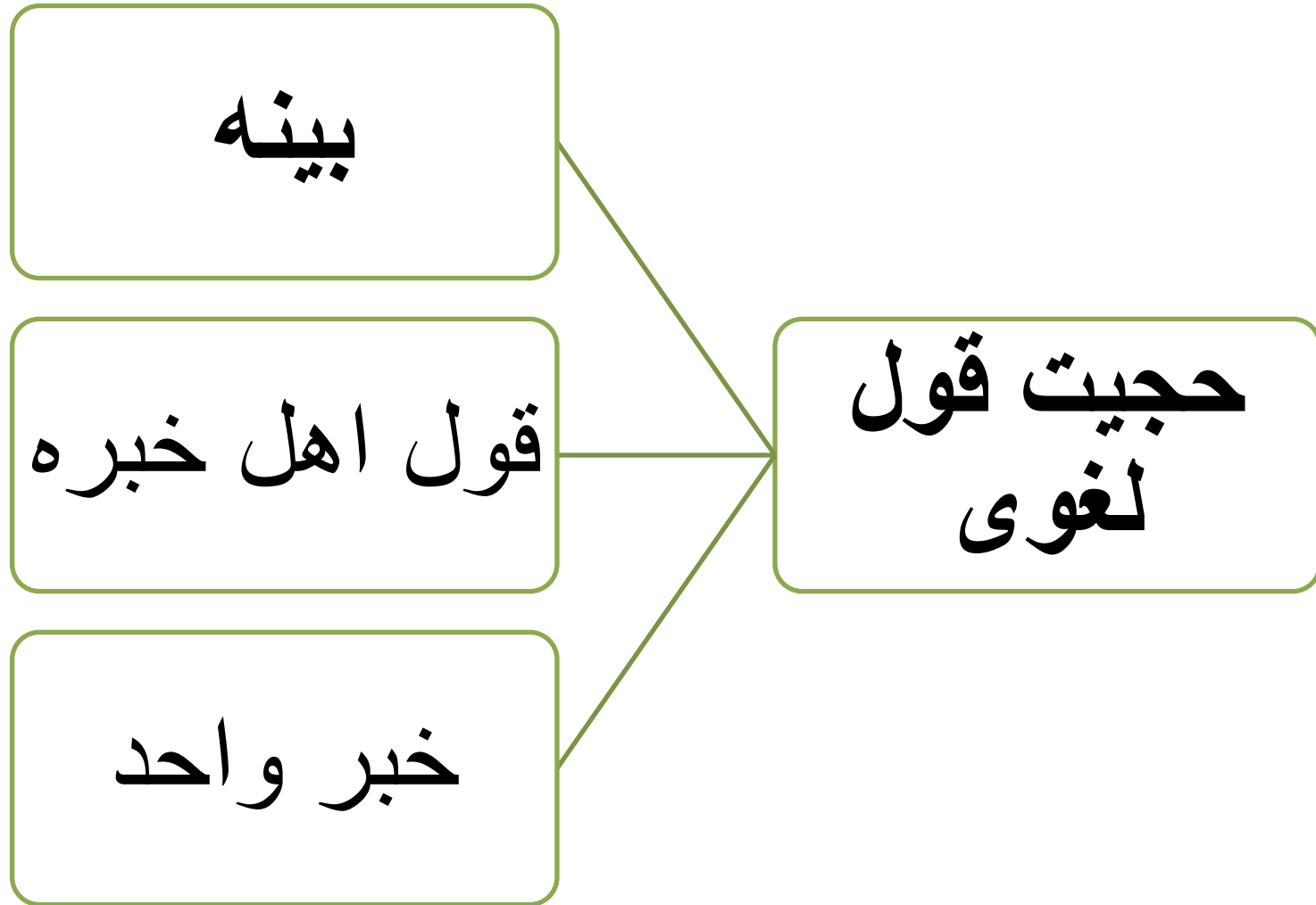


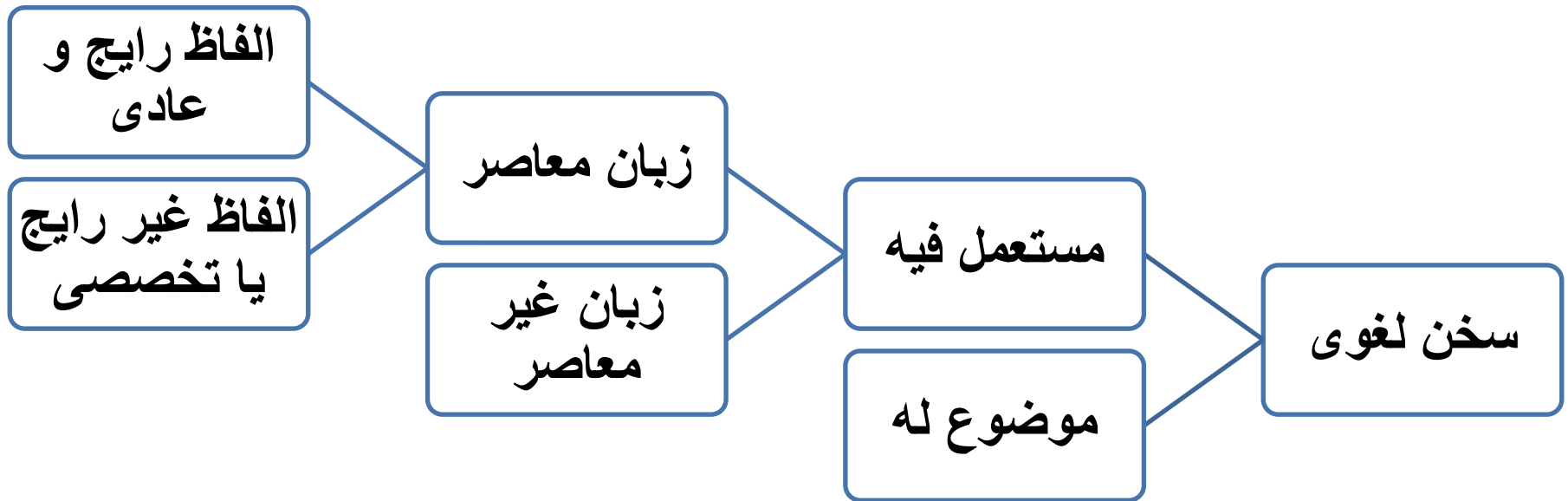


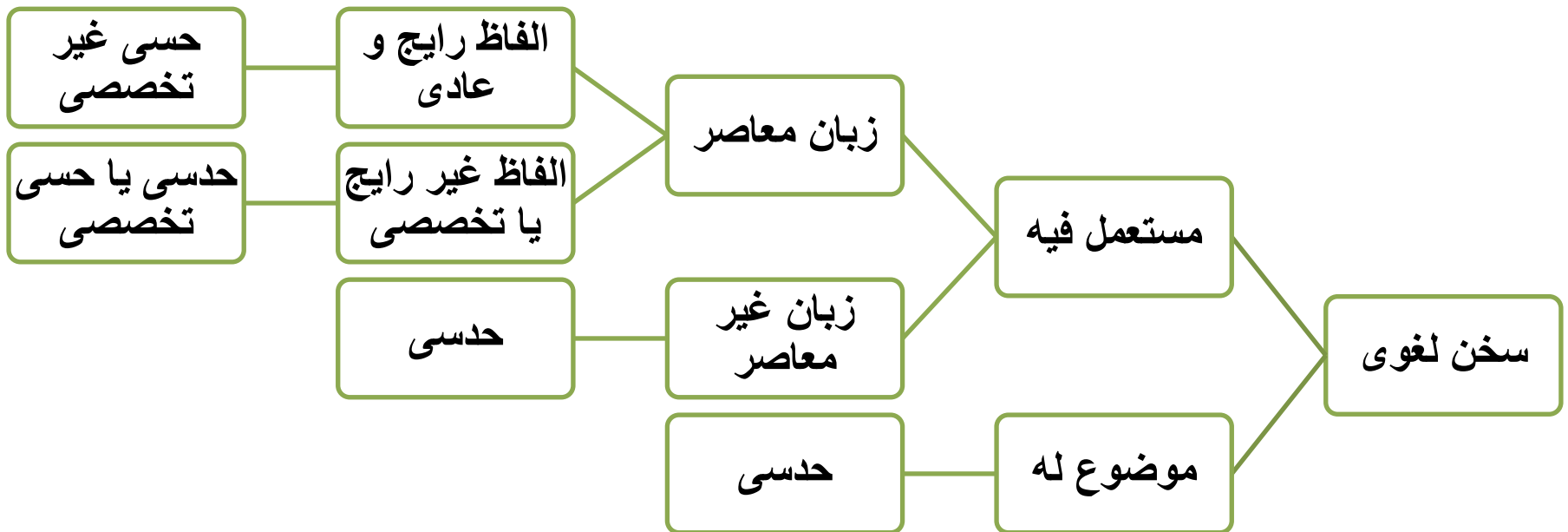
فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



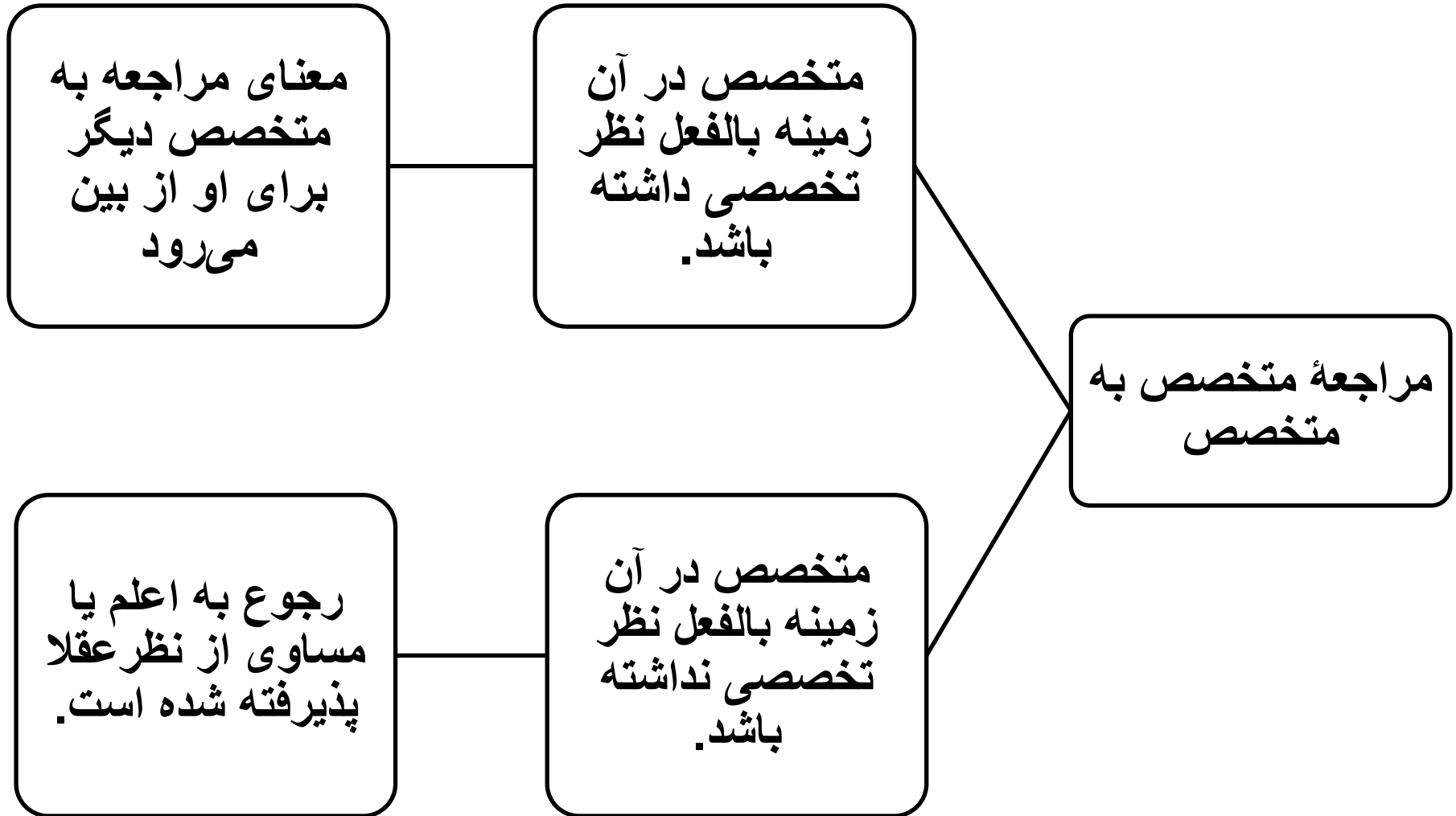
فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



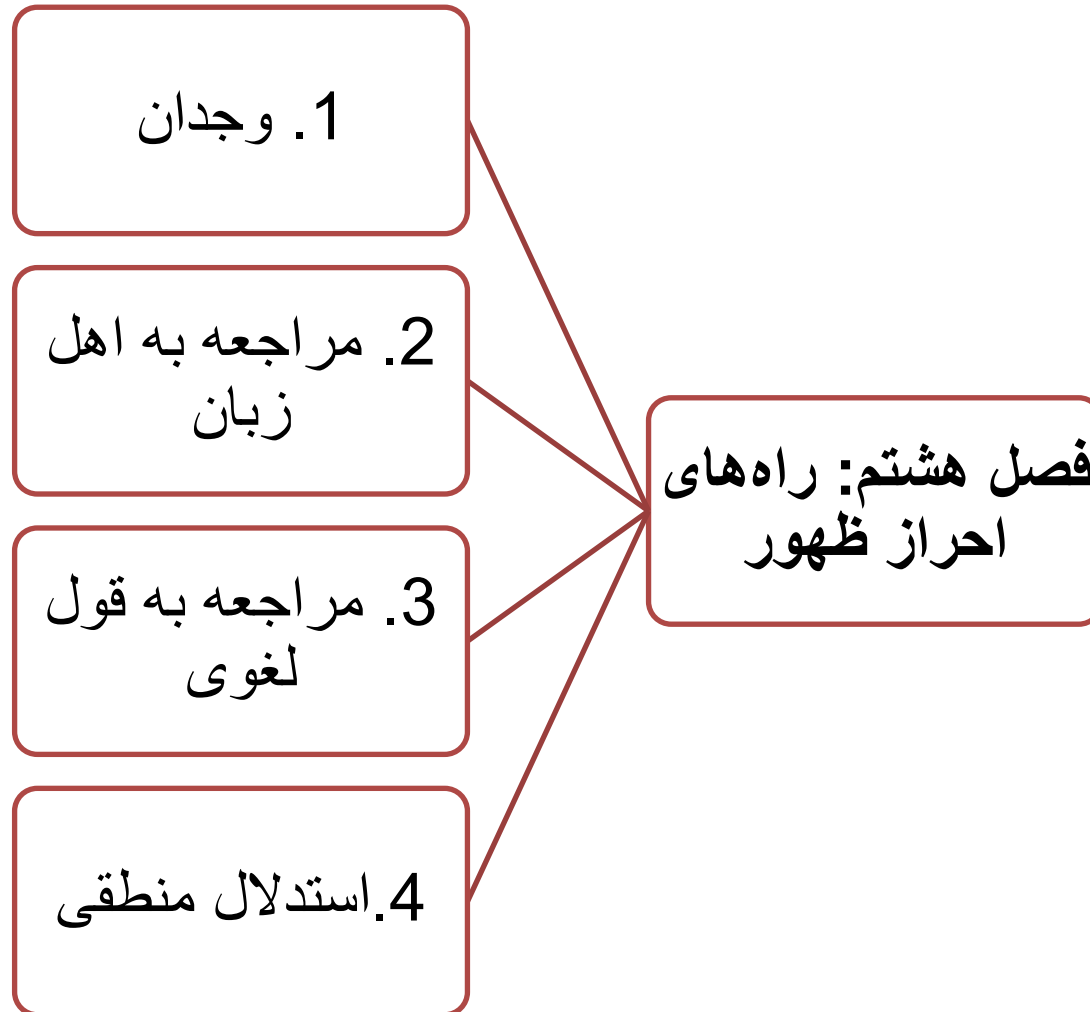




فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- ۴. استدلال
- یکی از راه‌های احراز ظهور، استدلال است.
- این استدلال گاهی برهانی و گاهی استقرایی است.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

برهانی

استقرایی

4. استدلال

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- آیا با استدلال می‌شود در مباحث الفاظ قضاوتی کرد؟
- زبان مجموعه‌ای از قراردادها است که در آن‌ها از هیچ منطق خاصی تبعیت نمی‌کنیم.
- اصولی‌ها در بعضی از بحث‌های الفاظ از استدلال استفاده می‌کنند نه در همه.
- شهید صدر رضوان الله علیه موارد استعمال استدلال را در مباحث اصولی به چهار گروه تقسیم می‌کند.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- در زبان انگلیسی الفاظ زیادی ما داریم که مرکب هستند و اجزائشان به تنهایی یک معنایی دارد و ترکیب آن اجزاء معنای دیگری دارد. وقتی که حدود سی سال پیش زبان می‌خواندم بعضی وقت‌ها این استاد ما می‌پرسید که فلان لفظ معنایش چی است. من معنای اجزائش را بلد بودم و گمان می‌کردم علی القاعده معنای ترکیبی‌اش فلان خواهد شد. همیشه استاد ما می‌گفت گفت از منطق استفاده نکن. زبان جای منطق نیست.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

گروه اول: احراز اصل ظهور

گروه دوم: احراز صغریات ظهور

گروه سوم: احراز خصوصیات ظهور

گروه چهارم: ارتباط دو یا چند ظهور

موارد استعمال
استدلال در مباحث
اصولی از نگاه
شهید صدر

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- گروه اول: احراز اصل ظهور
- گاهی می‌خواهیم ظهور را با استدلال به دست بیاوریم.
- استفاده از استدلال در تعیین ظهور به دو شکل است: یکی سلبی و دیگری اثباتی.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

سلبی

اثباتی

استفاده از استدلال
در تعیین ظهور

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- شکل سلبی
- شکل سلبی به این معنا است که از طریق برهان یا استقراء بگوییم یک لفظی ظاهر در فلان معنا نیست.
- در حقیقت ظهور را با برهان نفی کنیم.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- شهید صدر رضوان الله عليه در این باره می‌گوید در وضع موضوع (لفظ) و موضوع له (معنا) باید یک امر متعین و مشخصی باشند؛ یعنی نمی‌توانم یک لفظی را که معلوم نیست چیست، برای معنایی که معلوم نیست چیست وضع کنم.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- این یک اصل مسلم است. در بحث صحیح و اعم این بحث مطرح است که آیا الفاظ برای عبادات صحیح وضع شدند یا برای اعم از عبادات صحیح و فاسد.
- برخی می‌گویند بین عبادات صحیح و فاسد جامع مفهومی نیست؛ یعنی معنایی نداریم که هم بر عبادت صحیح قابل انطباق باشد و هم بر عبادت باطل.
- بنابراین نمی‌تواند لفظ «صلاة» برای اعم از صحیح و فاسد وضع شده باشد؛ چون معنای اعم از صحیح و فاسد اصلاً قابل تصور نیست تا تصور شود و در ازاء آن لفظی وضع گردد.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- مثال دیگر در بحث مشتق است. در آنجا سؤال می‌شود که آیا مشتق در متلبس بالمبدأ فی الحال حقیقت است یا در اعم از متلبس بالمبدأ فی الحال و من قضی عنه المبدأ.
- برخی گفتند بین متلبس بالمبدأ فی الحال و من قضی عنه المبدأ جامع مفهومی وجود ندارد. پس قابل تصور نیست تا لفظ بازاء آن وضع شده باشد.
- بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۳۰۰.

فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- شکل ایجابی
- شهید صدر رضوان الله علیه می‌فرمایند با استقرا می‌توانیم ثابت کنیم که یک لفظی ظاهر در فلان معنا است.
- وقتی اطراد را به شیوع تبادل یا شیوع استعمال یا شیوع استعمال بدون قرینه تفسیر می‌کنیم، در واقع همه این‌ها نوعی استقراء هستند.
- . همان، ص ۳۰۰ - ۳۰۱.